

به نام خدا

وب حسین
hosain.bloghaa.com

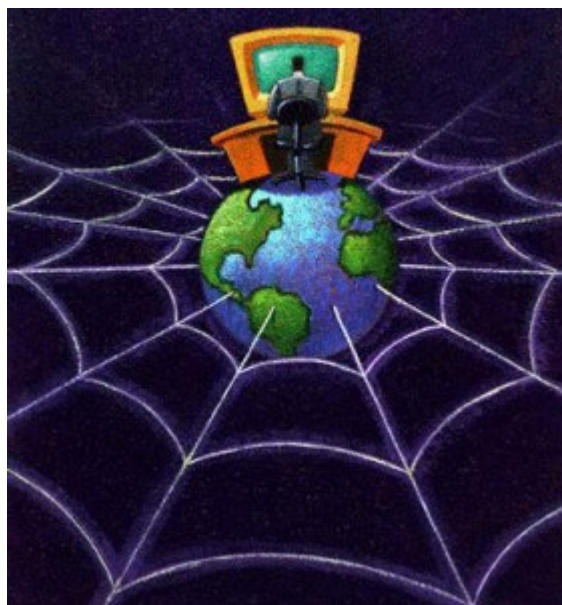
جدیدترین گزارش البرادعی، فرصت مناسبی است تا به ابعاد مختلف آن پرداخته شود. قسمت های مختلف این مطلب همانند لایه های یک واقعه باید بر روی یکدیگر قرار داده شوند و با هم نگریسته شوند تا تصویر بهتری از ماجرا بدست دهند.

رسانه ها

طبق روندی که برای بقیه گزارش های آژانس در مورد ایران طی شد، با نزدیک شدن به زمان ارایه گزارش بار تبلیغاتی سنگینی در مورد ایزان اعمال شد؛ و به طور مشهودی از اعمال هیچ گونه اظهار نظر منفی در مورد ایران خودداری نکردند. برای مثال در حالی که رییس جمهور عراق، چند روز پیش در آمریکا و در حضور بوش به صراحت [اعلام کرد](#) که هیچ مشکلی با ایران ندارد، تعدادی از این رسانه ها اظهارات یک مقام پایین تر عراق را دستاویز مشکل دو کشور قرار دادند و روی آن تبلیغ می کردند. یا به عنوان نمونه دیگر این جوسازی ها می توان به داستان ناپدید شدن مواد غنی سازی شده در ایران، توسط دیلی تلگراف اشاره کرد که دیگران نیز به آن پرداختند، تا جایی که واکنش صریح فلمینگ، سخنگوی رسمی آژانس، در مورد [کذب بودن آن](#) را در پی داشت. در آن شرایط که این خبرگزاری ها به راحتی اجازه ساخت چنین دروغ هایی را به خود می دهند، کمتر خبرگزاری این قسمت حرف های فلمینگ را پوشش می دهد؛ چه برسد به آنکه مستقما به کذب بودن فضایی که در اثر آن ایجاد کرده اند، اشاره کنند. نتیجه آن می شود که یک فضای منفی بر علیه ایران ایجاد می کنند که بستر مناسبی برای هر اقدامی علیه ایران را فراهم می کند.

از دید دیگری نیز می توان به کارکرد رسانه های غرب در این باره نگاه کرد و آن پیش دستی این رسانه ها است، به گونه ای که از قبل و بعد از گزارش به طور کامل، فضا را آنگونه که می خواهند، تحت سلطه می گیرند. این اتفاق دو دلیل واضح دارد: اول اینکه آن ها پیشاپیش و تا حدودی از محتوای گزارش، مطلع می شوند (درز اطلاعاتی) و نکاتی را که می خواهند با برجسته سازی، پیشاپیش به خورد مخاطب می دهند و با انتشار گزارش، آن را سند حرف خود عنوان می کنند. و نکته دوم آنکه بعد از اطلاع از کل محتوای گزارش هم اصوا نیازی به پوشش کامل آن و به خصوص قسمت های مثبت آن نمی بینند. (به گونه ای مه رسانه ملی ایران هم موردی را پیدا نمی کند تا به عنوان حداقل بازتاب مثبت گزارش مطرح کند)؛ یعنی این رسانه ها در تمام مدت قبل و بعد از گزارش، روند منفی خود در قبال ایران را با جدیت پیگیری می کنند، و همان طور که مشاهده شد، تکذیب قسمت هایی از آن و یا نقاط مثبت گزارش، خللی در روند آن ایجاد نمی کند.

متأسفانه دلیل این اتفاقات چیزی جز، وابستگی و هدایت آن ها توسط کسانی که سیاست های خود را با تیکه بر بسترسازی آن ها آماده می کنند و به خاطر همین انتظار اطلاع رسانی شفاف و یا عملکرد صحیح از آن ها، بسیار بیهوده و غیر واقع گرایانه است.



پ.ن : نکته قابل تامل و جالب توجه در این میان آن است که به هر حال بعد از ارائه کامل گزارش، قاعدتا باید مطالعه و تحلیل شود و سپس در مورد آن اظهار نظر شود؛ ولی چنانچه ذکر شد، ارائه نکات منفی، به طور مستمر ادامه دارد و این رسانه ها در فاصله بین انتشار گزارش و ارائه اولین تحلیل ها بعد از مطالعه کامل آن (به خصوص از سوی مقامات ایران) به سراغ دیپلمات هایی می روند که به علت های مشخصی! احتیاجی خاصی به مطالعه گزارش ندارند این افراد کسانی نیستند جز، دیپلمات های آگاه و البته ناشناس!، مقامات اسراییلی و دیگر مقامات تندرو. که این خبرگزاری ها در این فاصله به سراغ آن ها می روند تا در این مدت نیز فضای منفی خود را حفظ کنند تا بعدا دیپلمات های دیگر هم به اظهار نظر بپردازند.

البرداعی چه گفته است؟

گزارش اخیر آژانس را می توان به دو بخش مجزا تقسیم کرد:

۱. قسمت هایی که در حیطه کار آژانس بوده اند.
۲. قسمت هایی که در حیطه کاری آژانس نبوده اند.

بله درست خواندید، آژانس در این سمت به طرز کشهودی به زمینه هایی وارد شده است که بر اساس قوانین خودش در آن زمینه ها صلاحیت اظهار نظر ندارد.

در مورد قسمت اول گزار به دو نکته منفی اشاره شده است:

۱. عدم دریافت گزارش از ایران در مورد پروژه دارخوین، که چندان با اهمیت نیست و در حالی که آژانس بر این فعالیت ها نظارت کامل دارد، عدم دریافت گزارش مشکل خاصی نیست و احتمالا در راستای تعاملات دو طرف به زودی حل می شود.
۲. عدم توقف فعالیت های غنی ساز توسط ایران : اهمیت این مورد بیشتر برای روند کاری گزارش به شورای امنیت است، وگرنه فعالیت های ایران در این زمینه بدون گزارش آژانس هم آشکار و شاف بود و ایران به علت اینکه مبنای حقوقی

پرونده اش در شورای امنیت را غلط می داند، احکام صادره بر اساس آن را نیز باطل می شمارد و حاضر نیست، قطعنامه هایی را که غیر قانونی و در نتیجه غیر لازم الاجرا می داند، بپذیرد.

غیر از دو مورد بالا، که یکی مورد خاصی نیست و دیگری قضیه دامنه دار و بی نتیجه است، ثمت اول گزارش آژانس (که در حیطه صلاحیت آن بوده است) روح کاملا مثبتی دارد و بر بازرسی های سرزده، امکان دسترسی به قسمت های مختلف مورد درخواست، عدم انحراف فعالیت های تحقیقاتی و توسعه ای دانش هسته ای و در نهایت اعلام صریح توانایی آژانس بر راستی آزمایشی مواد هسته ای اظهار شده در ایران، بر شفافیت کامل و صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران تاکید دارد.



مشکل بر سر چیست؟

دقیقا مشکل از جایی شروع می شود که آژانس نه تنها، به طور علنی وارد حیطه هایی که در صلاحیتش نیست، می شود؛ بلکه آن ها را برجسته می کند(در این باره بعدا بیشتر صحبت خواهد شد). همین بخش گزارش است که مورد استقبال گسترده آمریکا و غرب قرار گرفت و رسانه ها ضمن پوشش آن گاه و بیگاه در مصاحبه با مقامات آگاه و بعضا ناشناس، با استفاده از آن، رفتار ایران را خطرناک معرفی می کنند.

اما البرادعی در این قسمت چه گفته است؟

دو موضوع اساسی دستمایه این قسمت قرار گرفته است : اسناد ادعایی که سازمان های اطلاعاتی غرب، در آستانه گزارش های پیشین، به آژانس تحویل دادند و دیگری فعالیت های موشکی ایران. برای بررسی این موضوعات لازم است، قدری به گذشته برگردیم و نگاه بسیار مختصری به فعالیت های ایران، در قبال این دو موضوع بیندازیم .

ایران با ارائه طرحی موسوم به مدالیته، برنامه ریزیم نطقی برای حل مسائل باقیمانده با آژانس ارائه کرد. بدین صورت که قرار شد در قبال پاسخگویی به کلیه مسائل باقی مانده در زمان مشخص، آژانس متعهد شود که پرونده ایران را مختومه اعلام کند. کشورهای غربی و نماینده آن ها سولانا با اطمینان از اینکه این طرح به نتیجه نمی رسد (چنانچه اظهار نظرهای بسیار منفی آن ها بعد از به جوابگویی ایران، به خوبی گواه این مطلب است) پذیرای آن شدند.



ایران نیز در زمانی تی کوتاه تر از مدت تعیینی شده به جوابگویی پرداخت و در حالی که منتظر بود، طرف مقابل به تعهد بین المللی خود وفا کند، با عملی روبرو شد که کوچکترین اعتماد هر آدم معقولی را به نهادهای بین المللی و شعارهای آن ها، از بین می برد. سرویس اطلاعاتی آمریکا، در حالی که هنوز چند ماهی از انتشار گزارش برآورد نهادهای اطلاعاتی آن در مورد غیرنظامی بودن برنامه هسته ای ایران نمی گذشت، در اقدامی مغایر با آن، مدعی شد پرونده ای را به آژانس ارائه کرده است که اطلاعاتی در مورد نظامی بودن برنامه هسته ای ایران دارا است! تاسف آور آنکه آژانس بر خلاف قرارداد مدالیته (که طرح سؤالات جدید را بعد از مختومه شدن پرونده ایران و با شرایط خاص منوط کرده بود) پرونده ایران را مختومه اعلام نکرد و آمریکا، با این عمل توانست با استفاده از ضعف عملکردی آژانس به قوانینش، پرونده ایران را باز نگه دارد و روند رسیدگی به آن را طولانی تر کند. در این مرحله یکبار دیگر، با ابراز حسن نیت آمادگی خود را برای جوابگویی به این ادعای تقریباً مضحک اعلام کرد. خواستار ارائه مدارک ادعایی شد، اما آژانس این بار هم در تخلفی آشکار از این کار خودداری کرد (این امر و تاسف البرادعی، به صراحت در گزارش اخیر آمده است؛ ولی چه فایده!!) با این حال ایران علی رغم اینکه دلیل ارائه نشدن این مدارک (این کار بنابر درخواست مستقیم آمریکا صورت گرفت)، را ساختگی بودن آن ها می دانست؛ به توضیح و ارسال [پاسخ خود](#) در قبال مدرکی پرداخت که تنها دلیل آن برای ارتباط دادن به ایران، وجود عبارات فارسی در آن است!! پرداخت .

گفته شد که این قسمت از گزارش البرادعی که در حیطه صلاحیت آژانس نیست، دو مورد منفی دارد؛ که به یکی از آن ها پرداخته شد، مورد دیگر شائبه ارتباط برنامه موشکی ایران با برنامه هسته ای با استناد به همان اسناد ادعایی بالا! است، که در پی آن آژانس خواستار دسترسی به اطلاعات برنامه موشکی و صنعت نظامی ایران شد. نتیجه این درخواست هم کاملاً قابل پیش بینی بود، چنین درخواستی با مخالفت هر کشور از جمله ایران روبرو می شود.

البته این ماجرا باز هم ادامه داشت و روز پس از انتشار گزارش، در جلسه ای غیر علنی عکسی ارائه شد که به گفته مقامات ناشناس! غربی، نشاندهنده فعالیت موشکی-هسته ای ایران [بود](#) و البته این بار هم امکان دسترسی ایران به این اطلاعات وجود نداشت!

در نهایت موردی که به تمام این بحث ها دامن زد، این بود که البرادعی، در این گزارش با تغییر انشا گزارش و فصل بندی آن، راهی برای مطرح کردن این مباحث هم فراهم کرد و در نتیجه گیری خود نیز، نقش پرننگی به آن ها داد.

اقدامات ایران

شرح کامل همکاری های داوطلبانه و فراتر از معاهدات ایران با آژانس، در این تحلیل نمی گنجد، هر چند به طور گذرا در مطالب قبلی، به شفاف سازی و پاسخگویی کامل ایران به سؤالات در قالب مدالیت، ارائه جواب به مدارک ادعایی که در اختیار ایران قرار داده نشد و اجازه بازسی های سرزده اشاره شد؛ با این حال مطالب مستندی دیگری را می توانید از [اینجا](#) بخوانید.



نقش آمریکا

شاید در این میان، توجه دقیق به رفتار آمریکا، گره گشای بسیاری از رفتار و اتفاقاتی که می افتد باشد. دولت آمریکا از یک سو با این واقعیت تلخ روبرو است که وعده توقف موفقیت های هسته ای ایران را به اسرائیل و بخشی از جامعه خود، داده است و از طرف دیگر با اقداماتی که در این چند ساله صورت داده است، موفقیتی در این راه کسب نکرده است و با توجه به نزدیکی انتخابات آمریکا، به نتیجه رسیدن این مسئله نقش قابل توجهی در سرنوشت ابقای قدرت جمهوری خواهان در کاخ سفید دارد. مجموعه این شرایط، سیاست آمریکا در مورد ایران را شکل داده است. [فضا سازی رسانه های](#) آن علیه ایران و مجموعه جلسات پی در پی برای فشار بر ایران، روایت گر ظاهر این ماجرا است. تشدید تهدیدها از یک سو و تظاهر به گفتگو از سوی دیگر (قبلاً هم توضیح داده شد که حضور نماینده ای که نه قرار است، مذاکره کند و نه اختیاری دارد، به معنای گفتگو نیست). این فرضیه را تقویت می کند که آمریکا به دنبال راه حل و هدف دیگری است. هدفی که از راه های متعارف بین المللی نمی تواند به آن دست یابد. در این راه آمریکا با دو مشکل روبرو است اول اینکه اگر پرونده ایران به نتیجه برسد، دیگر بهانه ای برای اعمال شدن وجود ندارد، در این حالت دیده می شود که مثلاً هنگامی که "مدالیت" به نتیجه می رسد و پرونده ایران، در آستانه یک سرانجام خوش است، با ارائه ادعایی از بسته شدن آن جلوگیری می کند (بر خلاف مدالیت) و تاسف آور آنکه نه تنها این سندها به ایران ارائه نمی شود، بلکه با اینکه از سوی نهادهایی ارائه شده اند که از افشای سندسازی و اطلاعات جعلی آن ها در مورد عراق، مدت زیادی نمی گذارد، مورد استناد آژانس قرار می گیرد. مشکل دوم آمریکا، عدم آگاهی این کشور از [توان واقعی](#) موشکی ایران است. این مشکل از چند سال قبل و زمانی که برای اولین بار ابران در جهل کامل سرویس های اطلاعاتی آمریکا با تمام تجهیزات ماهواری اش، اقدام به آزمایش شهاب ۳ نمود و تنها در موقع آزمایش آن را علنی کرد، شکل قابل توجهی به خود گرفت و همواره سرویس ها اطلاعاتی آمریکا به خاطر ناتوانی در این باره، مورد

دروغگو حافظه ندارد

همان طور که قبلا هم به طور مفصل توضیح داده شد، اگر خلف وعده آژانس برای عمل به مدالیته نبود، پرونده ایران به خوبی و خوشی به سرانجام رسیده بود؛ ولی در آخرین لحظات، آژانس با مطرح کردن مدارک ادعایی، برخلاف مدالیته خواستار پاسخ ایران به آن ها شد که ایران نیز در راستای ایجاد اعتماد بین المللی به صلح آمیز بودن برنامه خود، خواستار ارائه مدارک شد ولی آژانس بنابر درخواست مستقیم آمریکا، از ارائه آن ها خودداری کرد و در عین حال بر اساس مدارکی که تنها دلیل ارتباط آن با ایران، وجود عبارات فارسی در آن بود؛ هر روز اتهامات جدیدی را به ایران، وارد کرد که مورد استقبال شدید کشورهای غربی و رسانه آن ها قرار گرفت و حتی در ادامه بر اساس همین اسناد ارائه شده از سوی کسانی که در جنگ عراق به سند سازی پرداخته بودند؛ خواستار دسترسی به اطلاعات نظامی ایران و به ویژه موشک قدرتمند شهاب ۳ شد، که بالطبع با ممانعت ایران، مواجه شد و در حالی که ایران، علت ارائه نشدن اسناد را با توجه به شواهد وسیع موجود، جعلی بودن آن ها می دانست، تنها با تاسف آژانس (که هیچ فایده ای ندارد) مواجه شد. (خود نفس ارائه نکردن اسناد به ایران، تخلف محسوب می شود).

حالا در ادامه و در جدیدترین ماجراها، اتفاقات جالب توجهی افتاده است:

همان طور که توضیح داده شد، ارائه نکردن اسناد به ایران، تخلفی محسوب می شود که بنابه درخواست مستقیم آمریکا، صورت گرفته است؛ از این رو این کشور به شدت در مظان پاسخگویی قرار گرفته است و به همین دیپلمات های این کشور، احتمالا بعد از مشورت های گسترده با تئوریسین هایشان به جوابگویی در این باره پرداخته اند و دلیل!! خود را برای عدم ارائه اسناد به ایران اعلام کرده اند: *“ دلیل مخالفت آمریکا با ارائه اسناد مربوط به مطالعات ادعایی به ایران این است که نگران اشاعه اسناد تسلیحات هسته ای می باشد!”* و وقتی قرار باشد، برای اسناد جعلی دلیل سازی شود، بی شک جوابی این چنین قاطع دور از انتظار نخواهد بود:

در واکنش به این رویکرد آژانس، ایران از مسئولان این نهاد بین المللی پرسیده که اگر آمریکا معتقد است این اسناد متعلق به ایران است پس باید ایران اصل آنها را داشته باشد لذا چه نگرانی از اشاعه وجود دارد؟ لذا این مسئله نیز نشان می دهد که اسناد ساخت آمریکا و اذناش بوده و دلیل عدم ارائه آنها این است که با ارائه آنها به تهران صرفا ساختگی بودن آنها آشکار می شود.



البته در ادامه ماجرا دیروز، آقای البرادعی به توضیح شفاهی گزارش پرداخته است و از ایران خواسته است، بنا بر همین اسناد بالا! اطلاعات موشکی خود از جمله طرح اصلاح موشک شهاب ۳ را به آژانس بدهد و به خاطر اینکه ایران حاضر به انجام این کار نیست، از ایران انتقاد کرد. که به شدت مورد استقبال رسانه ها و دولت های معلوم الحال قرار گرفت (دلیل آن را از اینجا می توانید

بخوانید) و در عین حال در سخنانی که بیشتر یادآور گول زدن بچه ها بود در این مورد گفت “آژانس به هیچ وجه به دنبال کنجکاوای در فعالیت های نظامی متعارف یا فعالیت های نظامی مربوط به برنامه موشکی ایران نیست” و در حالی که بارها معاون او “هاینون” و دیگر بازرسان او آشکارا اقدام به ارائه اطلاعات سری ایران به آمریکا و اسرائیل کرده اند؛ مدعی شد که می توان کاری کرد که “حق مشروع ایران برای حفاظت از محرمانه بودن اطلاعات و فعالیت های نظامی رعایت شود”. تا بدین ترتیب ایران را به ارائه اطلاعات فوق محرمانه خود بر اساس اسناد مخدوش بالا واردار سازد، بدون اینکه نه تنها تضمینی در این باره وجود داشته باشد، بلکه شواهد بر ضد آن گواهی می دهند.

پ.ن ۱: در این مورد بنابر شواهد، اسناد مخدوش است و منتفی. ولی حتی ارائه اصلاحات که خوبه، نابودی تاسیسات هسته ای نیز، مانند آنچه کره شمالی انجام داد؛ هیچ فایده ای ندارد؛ همچنان که این کشور در پی خلف وعده کشورهای غربی به تعهداتشان در قبال عملش، بار دیگر برنامه هسته ای خود را آغاز کرد.

پ.ن ۲: مسائلی از این دست، آن هم با این درجه روشن از رفتار غلط و کینه آمیز این کشورها در قبال کشور و مردم ایران، که تمام حقوق بشر را در رفتار با ملت ایران، نادیده می گیرند؛ می تواند متعصب ترین هواداران غرب و ایدئولوژی آن ها را به تردید اساسی بیندازد.

پ.ن ۳: هاینون که ارتباطات گسترده او با آمریکا، مشهود است، با دریافت وعده های مبنی بر جانسپین البرداعی که گویا تمایلی به ادامه کار در سمت فعلی ندارد، مواجه شده است و در این صورت احتمال می رود که اگر کوچکترین اطلاعاتی نیز بوده که آمریکا از آن ها، خبری نداشته؛ به راحتی در جریان قرار بگیرد. (در ادامه تضمین البرداعی!)

پ.ن ۴: متاسفانه خلف وعده آژانس در به نتیجه رساندن پرونده ایران، با طرح مدالیته و مطرح کردن مدارک ادعایی دستاویزی مناسبی برای شبکه هاب مختلف و خبرگزاری ها دنیا، شده است تا کشور و میهن عزیزمان را خطرناک جلوه دهند .

لینک های مرتبط ::

- [سیزدهمین گزارش البرداعی \(۱\) : رسانه ها](#)
- [سیزدهمین گزارش البرداعی \(۲\) : گزارش آژانس](#)
- [سیزدهمین گزارش البرداعی \(۳\) : نکات منفی](#)
- [سیزدهمین گزارش البرداعی \(۴\) : اقدامات ایران-نقش آمریکا](#)
- [سیزدهمین گزارش البرداعی \(۵\) : راهکار](#)
- [دروغگو حافظه ندارد](#)